

تحلیلی بر
دفاع مقدس
«ماهنامه سیاسی شماره ۶»



سازمان بچ اساتید استان مازندران

مدیرمسئول: دکتر رحمت عباس تبار

سر دبیر: دکتر غلامرضا ضابط پور

هیات تحریریه: دکتر حسن خدادی، دکتر سید یوسف هاشمی، محسن نگهبان

،دکتر مجید قربانی و میثم معافی

ویراستار: جواد علیزاده

طراح و صفحه آر: احمدرضا اکبرزاده همدانی

۱. سرمقاله / غلامرضا ضابط پور کاری ۱
۲. دفاع مقدس بخشی از هویت ملی ماست / امام خامنه‌ای (دام ظلّه العالی)..... ۳
۳. چسب نواری کریستال، اولین پدافند ایرانی / میثم معافی ۱۱
۴. تجارب و دستاوردهای دفاع مقدس / محسن نگهبان ۱۵
۵. مدل مدیریتی امام ((ره)) و امت در پرتو دفاع مقدس، راه برون رفت از مشکلات / یوسف هاشمی ۲۱
۶. دفاع مقدس جانانه بود / مجید قربانی ۲۹
۷. سطوح سه گانه رابطه اعراب با رژیم صهیونیستی و بن بست در سطوح دوم و سوم / حسن خدادی ۳۱
۸. مساله فلسطین؛ در دوراهی جامه بزم یا جامه رزم / حسن خدادی ۳۵



سرمقاله

دفاع مقدس و مقاومت و ضرورت پژوهش

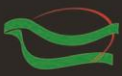
برای چرایی و ضرورت پژوهش در عرصه و حوزه دفاع مقدس و مقاومت دلایلی وجود دارد که بارزترین آن‌ها عبارتند از:

۱. رهبر معظم انقلاب اسلامی با اعتقاد راسخی که به حقانیت دفاع مقدس و مقاومت دارند بارها و در مناسبت‌های مختلف فرموده‌اند که سالیان سال باید درباره دفاع مقدس نوشته شود و محصولات فرهنگی از جمله فیلم و ... تولید شود؛

۲. دست‌هایی درصددند تا واقعیت‌های دفاع مقدس را مورد تحریف قرار دهند. طرح شبهات، ابهام‌ها و سوالات و پرسش‌هایی که بارها پاسخ آن‌ها داده شده است با قصد زمینه‌سازی برای تحریف واقعیت‌های جنگ مطرح می‌شود؛

۳. با وجود گذشت چند دهه از شروع و پایان جنگ هنوز نتوانسته‌ایم دستاوردهای ارزشمند جنگ هشت ساله را به جهانی که تشنه دریافت این دستاوردها و پیام‌هاست برسانیم؛

۴. بسیاری از سرفصل‌های روشن جنگ نیز نیازمند بازخوانی و پژوهش مجددانه است؛ سرفصل‌هایی چون دلایل شروع و



آغاز جنگ، مشارکت و حمایت مستقیم و غیر مستقیم بیش از از ۳۰ کشور از آغاز جنگ، دلایل طولانی شدن جنگ نقش قدرت‌ها در این میان، دلایل ادامه و پایان جنگ و ...؛

۵. ما به عنوان یک کشور و نظام مستقل که می‌خواهیم روی پای خود بایستیم باید از درس‌ها، پیام‌ها و دستاوردهای دوران جنگ هشت ساله که صحنه مقاومت و ایستادگی یک ملت بوده است بهره برداری کنیم.

این دلایل و دلایل دیگر ممکن نیست مگر با پرداختن به پژوهش‌های متقن، علمی و نظام مند درباره موضوعات مختلف دفاع مقدس که امروزه کارایی دارد و تلاش می‌کنیم در این شماره به برخی از موضوعات آن بپردازیم.

سردبیر



امام خامنه‌ای (دام ظلّه العالی): دفاع مقدس بخشی از هویت ملی ماست

سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب به مناسبت چهلمین سالگرد جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه ایران و آغاز هفته دفاع مقدس در جمع یک میلیون رزمنده پیشکسوت، دوشنبه ۳۱ شهریور برگزار شد.

شرح مختصر چرایی و چگونگی دفاع مقدس: ما چه زمانی می‌توانیم اهمّیت و عظمت رزمندگان را درست تشخیص بدهیم؟ آن وقتی که عظمت کار معلوم بشود، ...
عظمت میدان یعنی تعریف دفاع مقدس. من در چند جمله‌ی کوتاه، چرایی و چگونگی دفاع مقدس را امروز شرح می‌دهم.
...

۱) هدف جنگ‌افروزان، در هم کوبیدن نظام اسلامی ۲. صدام پیش‌کرده‌ی عناصر اصلی

اولاً هدف جنگ‌افروزان، آن کسانی که جنگ تحمیلی را بر ملت ایران تحمیل کردند، در هم کوبیدن نظام اسلامی بود، در هم کوبیدن انقلاب بود؛ ... ثانیاً طرف اصلی، صدام و حزب بعث نبودند؛ این‌ها وسیله‌ای بودند که پیش‌کرده‌ی آن عناصر اصلی بودند. ... فقط آمریکا نبود، شوروی آن روز هم بود، ناتو و کشورهای اروپای غربی [هم] بودند؛ حتی کشورهای اروپای شرقی هم در این عرصه در مقابل ما قرار داشتند. ...

۳. ضعف نیروهای مسلح و تجهیزات نظامی



در داخل هم، شرایط کشور جوری بود که دشمن را تشجیع می کرد به این که این حمله‌ی نظامی را آغاز کند؛ ... وضع نیروهای مسلح - که در درجه‌ی اول، چشم امید در جنگ‌ها به نیروهای مسلح است - وضع خوبی نبود؛... البته فرماندهان ارتش، بسیاری فرماندهان خوبی بودند اما امثال شهید فلاّحی یا مرحوم ظهیرنژاد که در ارتش شخصیتی بودند و جایگاه مهمی داشتند، برای اداره‌ی سازمان عظیمی مثل ارتش آماده نبودند؛ ... سپاه هم که اندکی بیش از یک سال بود که تشکیل شده بود. ...

از لحاظ ابزارهای نظامی هم - این را واقعاً همه باید در یاد داشته باشند - در نهایت شدت و تنگ‌دستی بودیم؛ ... سپاه هم که بکلی فاقد امکانات بود؛ امکاناتش تفنگ و خمپاره‌های سبک و مانند این‌ها بود؛ ما اصلاً امکانات نظامی‌ای نداشتیم؛ این‌ها دشمن را تشویق می کرد. ...

۴. نقش بسیار حسّاس و شگفت‌انگیز رهبری و فرماندهی امام

خب جنگ تحمیلی و دفاع مقدّس ما آغاز شد؛ اینجا است که انسان نقش بسیار حسّاس و شگفت‌انگیز رهبری و فرماندهی امام بزرگوار را تشخیص می دهد. ... اولاً مهم این بود و کار بزرگ امام این بود که از اول حجم واقعی این کارزار را شناخت، از اول فهمید که معنای این جنگ چیست؛ خیلی از ماها نمی دانستیم، نمی فهمیدیم. خب دو کشور همسایه خیلی اوقات می شود درگیری با هم پیدا می کنند؛ خیلی اهمّیتی ندارد. امام نه، امام از اول فهمید که این یک



درگیریِ عادی بین دو همسایه نیست، دشمن را شناخت و فهمید که دشمن اصلی در این جنگ کیست و تشخیص داد که صدام یک ابزار است....

ثانیاً یک تشخیص اساسی و حیاتی امام داد و آن این بود که این مسئله‌ی مهم را فقط ملت ایران می‌تواند حل کند. این مسئله، صرفاً مسئله‌ی نیروهای مسلح نیست. ولو نیروهای مسلح بعد خب وضع بهتری پیدا کردند لکن این کار، کار ملت ایران است، ملت باید وسط بیاید؛ هم‌چنان که ملت ایران انقلاب را به پیروزی رساند، جنگ را هم ملت ایران باید به پیروزی برساند. ... رهبری امام و هدایت امام و فرماندهی امام، این‌ها بود؛ و متأسفانه نقش امام در نوشته‌های مربوطه به جنگ، در بحث‌های مربوط به جنگ، مورد غفلت واقع شده!

چند نکته در مورد دفاع مقدس جهت جلوگیری از تحریف و شبهه‌افکنی:

خب، بنابراین چیستی و چرایی جنگ تحمیلی، در این چند جمله‌ی کوتاه به نحو اجمال روشن می‌شود، لکن چند نکته را من در مورد دفاع مقدس عرض می‌کنم. البته خیلی از اینها بارها گفته شده، تکرار شده، لکن بایست تکرار بشود؛ همین طور که عرض کردم، دست تحریف با انگیزه به دنبال شبهه‌افکنی است.

۱. پیروزی نظام جمهوری اسلامی و شکست دشمن



نکته‌ی اوّل این است که همین طوری که گفتیم، دشمن جنگ را به راه انداخت با هدف اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام اسلامی را ساقط کند و یک دستگاه حکومت وابسته‌ی ضعیف و زبونی را بر سر کار بیاورد و سلطه‌ی خودش را بر کشور ایجاد کند؛ و دشمن شکست خورد. ...ملت ایران پیروزی درخشانی به دست آورد.

اوّلایک وجه از خاک کشور را نتوانستند جدا کنند؛ ثانیاً نتوانستند انقلاب و نظام را یک قدم به عقب برانند. و نظام بعد از جنگ و در پایان این هشت سال بسیار قوی‌تر و تواناتر از قبل از شروع جنگ بود و نشاط و توانایی‌اش بیشتر بود؛ ...

۲. دفاع مقدّس، یکی از عقلانی‌ترین حوادث مَلّت

ایران

نکته‌ی دوّم؛ دفاع مقدّس یکی از عقلانی‌ترین حوادث مَلّت ایران بود. بعضی‌ها با استناد به یک خطایی که در یک بخشی انجام گرفته یا یک جمعی انجام داده‌اند، مجموعه‌ی دفاع مقدّس را به بی‌تدبیری متّهم میکنند؛ ابدأً این جور نیست؛ دفاع مقدّس از اوّل تا آخر مدبّرانه و عقلانی بود. شروع کار که از سخنرانی‌هایی که اوّل کار انجام گرفت - چه آنچه امام فرمودند، چه آنچه دیگران گفتند - نشان‌دهنده‌ی عقلانیّت ورود در این عرصه بود.

۳. یک مدلسازی جدید برای حضور مردم در دفاع

مقدّس و بُروز استعدادها



نکته‌ی سوّم؛ در دفاع مقدّس برای حضور مردمی یک مدل‌سازی جدیدی انجام گرفت. نحوه‌ی حضور مردمی یک نحوه‌ی شگفت‌آوری است و بر اساس این حضور، بُروز استعدادها [است] که حالا من مختصری درباره‌ی هر کدام از اینها عرض میکنم

اولاً همه‌ی آحاد ملت ایران، آنهایی که مایل بودند در این عرصه شرکت کنند، هر که بود، هر چه بود، توانست در یک شبکه‌ی زنده، کارآمد، داوطلبانه و پُرشور جای خودش را پیدا کند....

بعد، در این حرکت دسته‌جمعی چه استعدادهایی ناگهان پیدا بشود. فرض کنید فلان جوان از روستایی در فلان نقطه‌ی کشور - مثلاً روستایی در کرمان - بیاید داخل شهر و بپیوندد به این‌ها، بعد بشود مثلاً حاج قاسم سلیمانی؛ یعنی یک چنین حرکت عظیمی [بوده]. ...

۴. بُروز عالی‌ترین فضایل اخلاقی و عروج معنوی

نکته‌ی چهارم؛ در دفاع مقدّس، عالی‌ترین فضایل اخلاقی بُروز کرد؛ هم فضایل اخلاقی، هم معنویات و عروج معنوی و تعالی روحی. شبیه این را واقعاً نمی‌شود سراغ گرفت؛ ...

۵. دفاع مقدّس و سرمایه‌سازی برای کشور

نکته‌ی پنجم؛ دفاع مقدّس برای کشور سرمایه‌سازی کرد و سرمایه‌های ارزشمندی را برای کشور به وجود آورد. ... اولاً امنیت کشور به برکت دفاع مقدّس است؛ یعنی دفاع مقدّس



نشان داد که هزینه‌ی تعرّض و تجاوز به این کشور خیلی زیاد است. این به برکت دفاع مقدّس ثابت شد؛...

ثانیاً به ملت ما روحیه‌ی خودباوری داد. ... بعد، این حرکت به سمت نوآوری فنی و علمی را هم ما در دفاع مقدّس به دست آوردیم؛ ... مثلاً فرض کنید مرحوم شهید حسن [تهرانی] مقدّم در همان اوقات، در یک بخشی این ماجرای موشک‌سازی را به یک شکلی راه انداخته بود که ایشان و دیگران به ما گفتند بیایید بازدید کنید؛ رفتیم آنجا دیدیم که بله این‌ها شروع کرده‌اند. ...

اقدام به کارهای بظاهر نشدنی؛ این هم از چیزهایی بود که دفاع مقدّس به ما یاد داد. دفاع مقدّس این سرمایه را برای ما به وجود آورد که بدانیم بعضی کارها هست که بظاهر نشدنی است اما در واقع اگر همّت کنیم، شدنی است؛ ...

و از این گذشته سرمایه‌های انسانی ما را ارتقا داد؛ خوشبختانه از عناصر حاضر در هشت سال دفاع مقدّس، بعدها - [یعنی] امروز و دیروز و ان‌شاءالله در آینده - افراد بی‌شماری در بخشهای مختلف و گوناگون کشور مشغول خدمتگزاری بوده‌اند و هستند که یک نمونه‌اش شهید سلیمانی عزیز ما بود که خب در عرصه‌ی دیپلماسی و بین‌المللی و مانند اینها، در منطقه یک فعالیت شگفت‌آوری داشت؛ یعنی واقعاً حالا هنوز دوستان و برادران مؤمن و ملت عزیز ایران از سعه و گستره‌ی کار شهید سلیمانی مطلع نیستند؛ از یک چیزهایی [مثل این] که در مثلاً فلان جبهه بوده و حضور داشته آگاهند؛ ریزه‌کاری‌های کار او خیلی بیش



از این حرفها است که حالا شاید ان شاءالله در آینده این ریزه کاریها بتدریج آشکار بشود. این یک سرمایه‌ی انسانی بود که در جنگ درست شد؛ یعنی پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها، در جنگ، در دوران دفاع مقدس گذاشته شد. ...

۶. برملا شدن ذات و واقعیت بزک‌شده‌ی تمدن غرب

یک نکته‌ی دیگر در باب دفاع مقدس این است که ما را با ذات و واقعیت بزک‌شده‌ی تمدن غرب آشنا کرد؛ البته چون ملت ایران قبلاً لطمه خورده بود از غربی‌ها - از انگلیس‌ها یک جور، از آمریکایی‌ها یک جور - آشنا بودند تا حدودی اما نه به قدری که در دفاع مقدس دیده شد...

۷. آشکار شدن توانایی‌ها و ظرفیت‌های ملت ایران برای دنیا

آخرین نکته‌ای که می‌خواهم عرض بکنم این است که یک اتفاق بزرگی در دفاع مقدس پیش آمد و آن این که توانایی‌ها و ظرفیت‌های ملت ایران را برای دنیا آشکار کرد؛ یعنی رسانه شد. رسانه‌های دنیا همه علیه ما بودند، رسانه‌های دنیا علیه انقلاب بودند؛ البته امروز هم همین جور است... دفاع مقدس، رسانه‌ی کاملاً رسایی شد، صدای بلندی شد برای اینکه حقایقی را از ملت ایران نشان بدهد؛ وجهه درست کرد برای ملت ایران و شجاعت ملت را، مقاومت ملت را نشان داد به همه‌ی دنیا؛ ...

تقویت ادبیات دفاع مقدس، برای مقابله با دست‌های تحریف‌گر

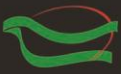


البته باید بگویم ما در باب دفاع مقدّس کوتاهی کرده‌ایم... ما هر چه از لحاظ زمان از دفاع مقدّس دور می‌شویم، از لحاظ معرفت باید به دفاع مقدّس نزدیک‌تر بشویم؛ چرا؟ چون تحریف در کمین است، دستهای تحریف‌گر در کمینند. خب شماها که مردان جنگید الان حضور دارید، بالاخره شماها یک چیزی می‌گویید، یک دفاعی می‌کنید، اما بیست سال دیگر خیلی از این جمعیتی که امروز حضور دارند نیستند، سی سال دیگر عده‌ی بیش‌تری نیستند. دست تحریف، این بخش پُردرخشش تاریخ ما را ممکن است مخدوش کند؛ لذا بایستی کار کنیم، معرفت ما بایستی زیاد بشود، ادبیات دفاع مقدّس باید تقویت بشود.

اهمّیت برگزاری یادواره‌ها و شخصیت‌پردازی عناصر دفاع مقدّس

یک بحث هم بحث یادواره‌ها است؛ یادواره بحث مهمّی است... و این یادواره‌ها موجب می‌شود که فاصله‌ی نسلی به وجود نیاید و نسل‌های جوان [با دفاع مقدّس] آشنا بشوند که خود این تأثیر می‌گذارد در ساختن افرادی امثال شهید حججی مثلاً یا شهدای عزیز دفاع از حرم که این هم البته از برکات و دنباله‌های دفاع مقدّس است.

باز یکی از کارهای بسیار لازم، بزرگداشت و شخصیت‌پردازی شخصیت‌ها است....



چسب نواری کریستال، اولین پدافند ایرانی

میثم معافی (مدرس حوزه و دانشگاه)

عراق هجوم سراسری خود را در ساعت ۱۴ روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ با حملات هوایی آغاز کرد و ظرف چند ساعت ۱۹ نقطه مهم، از جمله فرودگاه‌های کشور را مورد هدف قرار داد. مراحل طی شده از باب دفاع ملی درمقابل دشمن بعثی تا دندان مسلح، به سه دوران تقسیم می‌شود:

۱- دوران چسب کریستال ...

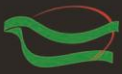
اولین پدافند ایرانی‌ها در آن مقطع درمقابل پرنده‌های هوایی بعثی استفاده از چسب نواری کریستال بود که پنجره‌ها و شیشه‌های قدیمی خانه‌های بی‌دفاع با آن درمقابل ایجاد موج‌های قوی و وحشتناک هواپیماهای میزبان بعثی‌ها ایمنی پیدا می‌کردند که البته ضریب امنیتی در حد صفر بود.

۲- دوران ۱۰ ثانیه تا نجات (فرار به پناهگاه...) ...

یعنی دورانی که باز پخش آژیر خطر، مردم ۱۰ ثانیه فرصت داشتند که به پناهگاه‌های خانگی نایمن و یا پناهگاه‌های عمومی کم‌ایمن بروند.

۳- دوران طهرانی مقدم و پایان "بزن و در رو..."

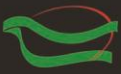
این دوران دورانی است که غیور مردی از جنس اصحاب امام حسین(ع) به این فکرافتاد که باید از مراحل زیرصفر ایمنی ملی عبور کرد؛ برای همین با توسل به حضرت زهرا(ع) دفاع



ملی را در حد پرتاب موشک‌های زمین به زمین ساخت ایران ارتقاء داد و از این به بعد بود که دشمن حمله هوایی به ۱۲۷ شهر کشور را از دستور کار خارج کرد..

ماهنوز در دوران طهرانی مقدم هستیم چراکه از مرحله "قدرت دفاع ملی" و عبور از لایه‌های دیگر "قدرت نظامی" در نظام بین‌الملل، امروز به لایه‌های جو و مدار زمین رسیدیم ... به یک دیدار در سال ۹۹ اشاره می‌کنم. دیدارهای سطح یک دیپلماتیک رهبر معظم انقلاب اسلامی با سران برخی کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای عموماً تبدیل به آغاز سرفصل‌های جدیدی در سیاست خارجه ایران شده و همواره تاثیر جدی بر روندهای منطقه‌ای به خصوص در غرب آسیا داشته است. کفایت در یک رصد تخصصی اتفاقات و روندهای سیاست خارجه ایران و منطقه را بعد از دیدارهای چند سال اخیر سران کشورهای همچون روسیه، چین، ونزوئلا، قطر، عراق، رهبران گروه‌های مقاومت و... با رهبر معظم انقلاب اسلامی را مورد رصد و واکاوی قرار بدهیم. اما پس از انتشار برخی جزییات دیدار اخیر نخست وزیر دولت عراق با رهبر معظم انقلاب اسلامی، یک جمله و به تعبیر درست تر یک خبر، بیش از همه مورد توجه قرار گرفت: «ایران هرگز شهادت حاج قاسم را فراموش نخواهد کرد و قطعاً ضربه متقابل را به آمریکایی‌ها خواهد زد». جمله مهمی که می‌توان از به عنوان آغاز یک سرفصل جدید دیگر در منطقه و در مواجهه با آمریکا یاد کرد.





در نظام بین‌الملل پنج لایه قدرت تعریف شده است که ذیلاً به شکل ساده بیان میکنم:

قدرت وابسته: یکی از لایه‌های قدرت در نظام بین‌الملل وابستگی کشورهای ضعیف به کشورهای قدرتمند هست که این هم نوعی تولید قدرت است که در دوران نظام ستمشاهی وجود داشت و امروز هم متأسفانه جریان لیبرال داخلی در حوزه اقتصاد معتقد به تولید قدرت از جنس وابستگی به غرب هستند و معتقدند واگن‌های اقتصاد و توسعه ایران باید به لوکوموتیو غرب اتصال یابد که البته این نوع نظریات طاغوتی در بین ملت ایران با درخشش جوانان و جوانه‌های علمی و تکنولوژیک ایرانی محلی از اعراب ندارد. مقام معظم در دیدار نخبگان جوان علمی می‌فرماید: وابستگی سیاسی، همین‌طور که عرض شد، چیز خطرناکی است. وابستگی سیاسی، توسری خوری می‌آورد. «صیلَ غَلیه» که در مورد علم گفته شده، در مورد وابستگی سیاسی سخت‌تر از آن است؛ واقعاً «صیلَ غَلیه» یعنی انسان، توسری خور میشود. یک ملّتی که از لحاظ سیاسی وابسته است، مجبور است توسری خوری را برای خودش بپذیرد؛ توسری خور خواهد شد. (۱۳۹۶/۷/۲۶)

۲- قدرت دفاع ملی: آن قدرتی است که کشور صرفاً می‌تواند از خود در مقابل تجاوز دشمن دفاع کند که مثال آن هشت سال دفاع مقدس بود که ملت ایران با تقدیم شهدای بسیار ولی با عجین شدن با فرهنگ شهادت توانست از حریم و





هویت خود دفاع کند. مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) با استناد به آیه ۶۰ سوره انفال فرمودند: «یک درس دائمی جلوی چشم سپاه وجود دارد و آن عبارت است از آیه کریمه: "وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ." قدرت بازدارنده یعنی دشمن جرات تجاوز به حریم نداشته باشد و معنای "ترهبون به" یعنی ایجاد ایمنی...

قدرت بازدارنده ایران مثالش همین اعزام نفتکش های ایرانی به ونزوئلا با حمل صرفا یک پرچم و عبور از اقیانوس ها بویژه اقیانوس اطلس که حیات خلوت آبی ایالات متحده آمریکا بود و نفتکش جمهوری اسلامی با اقتدار به مقصد رسید و کسی یا کشوری جرات تجاوز و ایجاد خسارت را نداشت. البته می‌توان "قدرت بازدارنده را درحوزه اقتصادی-سیاسی و فرهنگی هم تعریف کرد. ...

۴- قدرت ضربه متقابل: یعنی اگر دشمن به هرنحوی در هر نقطه‌ای ضربه‌ای وارد کرد کشور مورد هدف، قدرت ضربه متقابل را در هر نقطه‌ای از جهان به منافع کشور متخاصم داشته باشد. مانند ضربه متقابل شکیلیک موشک‌های متعدد به عین الاسد، بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در عراق که به تعبیر مقام معظم رهبری صرفا یک سیلی بود و واشنگتن پست تیتراژ: انقلاب دقت در موشک‌های بالستیک سپاه



در حال حاضر الحمدلله به برکت مدافعان حرم و سردار دل‌ها، و سردار پرواز (طهرانی مقدم) جریان مقاومت در منطقه مانند حشدالشعبی عراق و یا جیش‌الوطن سوریه توان ضربه متقابل را پیدا کرده‌اند.

۵- قدرت ضربه اول: بدین معناست که اگر نظام حس کند دشمن بنای حمله و یا تجاوز دارد قبل از هر حرکتی قدرت زدن ضربه اول یا به تعبیر عوام سیلی اول را داشته باشد که البته در این بخش جمهوری اسلامی بنا بر ملاحظات شرعی به دنبال فرمول تهاجم نظامی و فرمان اول یا شلیک اول نیست هر چند قدرت آن را داراست..

نکته پایانی این که دوران طهرانی مقدم هنوز ادامه دارد و خواهد داشت...

تجارب و دستاوردهای دفاع مقدس

محسن نگهبان

تجارب سیاسی

یکی از برکات دفاع مقدس، کسب تجارب سیاسی در حوزه‌های داخلی و خارجی است. در جریان جنگ تجربه کردیم که ما در دنیا تقریباً تنها هستیم و تنها پشتوانه‌ی ما، نیروهای مردمی در کشورهای مسلمان و مردم جهان



می‌باشند، که به دلیل سلطه‌ی رژیم‌های وابسته، دفاع فعال و عملی آن‌ها از انقلاب با مشکلات اساسی روبرو بود. ولی به رغم این مشکلات، نیروهای مردمی ملل منطقه کمک کردند. یکی دیگر از تجارب سیاسی ما، ضرورت سازماندهی و تشکیلات بود. به هنگام حمله‌ی غافلگیرانه دشمن به ۸۰۰ کیلومتر از مرزهای جنوب و غرب، ضرورت ایجاد سازماندهی و تشکیلات قوی نظامی و مردمی متناسب با ویژگی‌های انقلاب اسلامی مشخص شد. ضرورت فعال شدن سیاست خارجی در زمان جنگ برای توسعه‌ی منابع قدرت انقلاب و به کار گرفتن امکانات در خارج از کشور، یکی دیگر از تجارب انقلاب اسلامی بود؛ به طوری که اتخاذ دیپلماسی تماس با کشورهای برادر، دوست و حتی غیر متخاصم، یکی از حرکت‌های وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌داد.

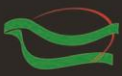
تجارب اقتصادی

یکی از برکات اقتصادی جنگ، شناخت و معنویت‌گرایی در بخش مایحتاج عمومی بود. مدیریت انقلاب اسلامی با تکیه بر معنویت انقلاب، می‌توانست زمینه‌ی مساعدی برای حرکت‌های بنیادی در ابعاد مختلف مورد نیاز خود به دست آورد. برای مثال، یکی از سنت‌های مردم ایران به دلیل تهاجمات مکرر بیگانگان و ایجاد قحطی در مراحل خاص تاریخی، سنت ذخیره سازی بود. این سنت در شرایط جنگی می‌توانست ضربه‌ی کاری بر اقتصاد

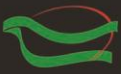
انقلاب در شرایط جنگ بزند؛ چرا که با هجوم مردم و خرید گسترده‌ی کالاهای ضروری و مورد نیاز، قحطی مصنوعی رخ می‌داد. اما معنویت‌گرایی مردم به عنوان یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های انقلاب ما، مانع از ضربه‌پذیری اقتصاد انقلاب خصوصاً در زمان جنگ شد. هر چند که قشر رفاه‌طلب جامعه‌ی ما دست از ذخیره مواد اولیه و مورد نیاز نکشیدند، ولی اکثریت مردم مسلمان ما مراعات شرایط سخت آن روز را می‌کردند. یکی دیگر از تجاربی که در حوزه‌ی اقتصادی در شرایط جنگ کسب کردیم، توزیع عادلانه‌ی کالا بود. توزیع عادلانه‌ی کالا می‌توانست مواد ضروری و مورد نیاز زندگی اکثریت مردم را با قیمت مناسب در اختیار آن‌ها قرار دهد و زمینه‌های نارضایتی عمومی را از بین ببرد؛ چرا که محدودیت کالاهای مورد نیاز عامه و تقاضای بیش از حد مردم در شرایط جنگی، می‌توانست تورم سنگینی بر مردم محروم ما تحمیل کرده و زمینه‌های مانور ضد انقلاب را برای تاختن بر انقلابیون فراهم کند و مثل مگسی روی زخم‌های طبیعی یک انقلاب نشسته، فساد خویش را توسعه بخشند، تا شاید بتوانند منافع از دست رفته‌ی خود را تجدید کنند.

تجارب نظامی

تجاوز رژیم آمریکایی صدام به مرزهای جمهوری اسلامی، با انگیزه نابودی انقلاب اسلامی در منطقه‌ی حساس خاورمیانه، زمینه‌ی مساعد را برای انسجام و آبدیده شدن نیروهای نظامی ما را فراهم کرد. اولین تجربه‌ی ما در



این درگیری گسترده نظامی، لزوم هماهنگی بین کلیه نیروهای نظامی بود. حرکت بر اساس این تجربه، موجب موفقیت‌های بیشتر نظامی می‌شد؛ به طوری که متناسب با میزان هماهنگی نیروهای نظامی، پیروزی‌های نظامی افزایش می‌یافت. یکی دیگر از تجارب ما، تکیه بر قدرت «ایمان» در نبرد با صدام بود. اساساً در پیروزی عملیات نظامی، عامل انسانی در میان سایر عوامل - یعنی قدرت آتش و قدرت تحرک واحدهای عملیاتی - نقش محوری داشت؛ خصوصاً که حاکمیت ایمان مذهبی بر نیروهای انسانی موجب آن چنان قدرتی می‌شود که قدرت سلاح را از محوریت ساقط می‌کند. بنابراین، بسیج گسترده نیروهای مردمی و تسلیح و تشکیل آن‌ها برای تداوم یک جنگ طولانی و فرسایشی به کار گرفته شد، و این مهم‌ترین تجربه‌ی پیروزمند جنگ بود. از تجارب نظامی دیگر ما، آموزش در حین عملیات، جذب نیرو در جریان نبرد، و شناسایی کادرهای مردمی و ارتقای آن‌ها و کادر سازی در حین عملیات پی در پی و طولانی ما بود. تکوین مهندسی رزمی در جریان نبرد و مشخص شدن ضرورت‌های آن و به‌کار گرفتن تجارب کسب شده در حین عملیات و در عملیات بعدی، یکی دیگر از تجارب حاصل از جنگ بود. تجارب دقیق و ظریف ما در جنگ، توانست پیروزی‌های مراحل بعدی عملیات ما را بسیار آسان کند. پیشرفت در صنایع نظامی تحریمی، از جمله صنایع دفاع موشکی از برکات چشم‌گیر دفاع مقدس بود.



تجارب فرهنگی

مهم‌ترین تجارب فرهنگی در دوران دفاع مقدس، مهار فرهنگ سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی و ترویج فرهنگ زهد و ساده زیستی بود؛ چرا که بستر فرهنگی مبارزه با دشمن بر اساس تعالیم اسلام، زهد و قناعت و ساده زیستی است. امام راحل(ره) نیز به شدت مراقب نفوذ تفکر سرمایه‌داری در بدنه‌ی نظام و دفاع مقدس بودند، که در تعبیری زیبا فرمودند: «آنان که رفاه‌طلبی با مبارزه را قابل جمع می‌دانند، آب در هاون می‌کوبند و با الفبای مبارزه بیگانه‌اند.» بستر فرهنگی که بعد از دفاع مقدس می‌توانست بستر سازندگی کشور را به اوج شکوفایی برساند و در برخی بخش‌ها نیز کاملاً موفق بوده است.

تحکیم وحدت ملی

از برکات مهم دفاع مقدس، تحکیم وحدت ملی بین آحاد ملت به ویژه گروه‌ها و احزاب سیاسی کشور بود؛ به طوری که همگان منافع حزبی و صنفی خود را در خدمت مصالح نظام و امنیت کشور قرار داده بودند. آن چه که توانست به انقلاب اسلامی ما مصونیت لازم را ببخشد، برکات و اثرات مثبت جنگ تحمیلی بود، که خداوند در سایه‌ی رهبری حکیمانه و خردمندانه‌ی امام(ره) به مردم ایران ارزانی داشت و درحقیقت، هشت سال جنگ حق بیمه‌ای بود که باید پرداخت می‌شد تا انقلاب اسلامی در



مسیر اسلام ناب محمدی پایدار بماند و الحق خون بهای تمامی شهدای جنگ تحمیلی، تداوم و استمرار حرکت اصیل انقلاب اسلامی بود؛ چنان که امام(ره) در خصوص جنگ می‌فرمایند: «هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه‌ی صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ صادر نموده ایم؛ ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم؛ ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان خواران کنار زدیم؛ ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناختیم؛ ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم؛ ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم؛ ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم؛ ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد؛ و از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی، در پرتو جنگ تحقق یافت.»

رسوایی لیبرال‌ها و منافقین

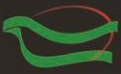
یکی از خطرهایی که به طور جدی، انقلاب اسلامی را تهدید می‌کرد، افتادن انقلاب به دام لیبرال‌ها و منافقین بظاهر مجاهدین بود؛ چنان که امام(ره) می‌فرمایند: «من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است



که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گر چه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الآن هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کم‌تر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهان‌خوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم.»

مدل مدیریتی امام ((ره)) و امت در پرتو دفاع مقدس، راه برون رفت از مشکلات دکتر سیدیوسف هاشمی

مقدمه: این روزها شاهد دست پنجه نرم کردن مردم با مشکلات اقتصادی هستیم در حالی که اقدامی جهادی جهت رفع موانع پیش روی اقتصاد و وضع معیشتی و گرانی و... از سوی مسئولان در سطوح گوناگون صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه هنوز امید واهی به دست مشکل ساز بیگانگان بسته و منتظرند از بیرون هسته مدیریتی گشایشی رخ دهد. اثرات مفسد غیر قابل جبران تفکر منحط موازنه مثبت که تجربه سنگین و خسارت بار آن در عصر قاجاریه پیش روی ماست، در حالی بر دوش مردم حمل می‌شود که نه تنها لطمه‌ای به مال و املاک حامیان این تفکر وارد نمی‌شود؛ بلکه سبب



رشد نجومی داشته‌هایشان می‌گردد. هنوز آثار گلابی‌های فاسد باغ برجام در جان ملت از بین نرفته بود که کاهش ارزش پول و فشار بر قشر ضعیف و متوسط جامعه مزید بر آثار سوء شد.

غفلت از توصیه‌های امام جامعه

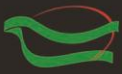
از عواملی که سبب بروز این مشکلات گردید می‌توان به رأس هندسه آن اشاره کرد و آن عدم توجه و اعتناء به دستورات و فرامین امام جامعه از سوی برخی مسؤولان است و مهم‌ترین راه حل برون رفت از این مشکلات، اطاعت بدون چون و چرا و پیروی واقعی و عمل به برنامه‌های امام جامعه است. این مهم متوجه دو قشر می‌شود؛ مسؤولان و مردم. به طور کلی مدل اسلام برای رشد جامعه و در امان بودن از خطرات، طرح امام و امت است. ولی در کشور ما نمی‌شود ادعا کرد به گونه مطلوب خود، در سیستم اداره کشور پیاده شده است. این نقیصه کمک شایانی به عدم اعتناء و اطاعت پذیری از سوی برخی مسؤولان نسبت به امام جامعه کرده است. امام و امت دو رکن اساسی تشکیل جامعه اسلامی و دو عامل منحصر به فرد در حرکت جامعه به سمت عزت، استقلال، پیشرفت در تمامی زمینه‌ها از جمله؛ اقتصادی، فرهنگی و معنوی هستند. دو عامل امام و امت دارای تأثیر خاصی در پیشرفت جامعه است، به گونه‌ای که هر کدام نقش دیگری را نمی‌تواند ایفا کند. امام، نقش رهبری و هدایت مردم و برنامه‌ریزی برای نیل به اهداف و تصمیم‌گیری‌های مهم و حساس را به عهده دارد. امت که متشکل از عوام و خواص است، نقش بی‌بدیل



همراهی با امام در شرایط سخت و دشوار و تنها نگذاشتن او، توجه به توضیحات و نکات کلیدی ایشان، مشایعت و اطاعت از دستورات امام و عدم سرپیچی و دچار شک تردید نشدن در خصوص تصمیمات و برنامه و مدل مدیریتی امام، را بر عهده دارند. پیوند امام و امت حرکت جامعه را به سوی خوشبختی مطلق ضمانت می کند. از این رو خداوند در قرآن می فرماید: **إِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۵۴ نور)**؛ اگر از پیامبر اطاعت کنید هدایت خواهید شد و جز ابلاغ روشن و واضح بر عهده پیامبر نیست. آیه دوم: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۵۹ نسا)** ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا و رسول و صاحبان امر (ائمه طاهرين عليهم السلام) را. تنها راه مردم برای دستیابی به زندگی مناسب و پیشرفته در ابعاد جسمی و روحی، اطاعت از امام است. دست آورد این اطاعت، هدایتی لطیف به سوی خوبی هاست.

همراهی امت در تشکیل جامعه اسلامی

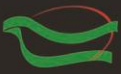
تأثیر همراهی و گوش به زنگ بودن امت نسب به امام جامعه در اتفاقات مهم، تعیین کننده و سرنوشت ساز است. در زمان پیامبر اکرم (ص) اگر همراهی و اطاعت مردم در خصوص تشکیل جامعه و حکومت اسلامی نبود، امکان نداشت این اتفاق میمون رخ دهد. این همراهی مستمر و آگاهانه از سوی امت اسلامی بود که پیامبر توانست فتنه ها، جنگ ها، تحریم ها و نقشه های دشمن را در مسیر صحیح خنثی کند و در عرصه های مختلف جامعه اسلامی همچون ایمان و معنویت،



علم معرفت، عدالت و برابری، برادری و مساوی بودن اشرافیان و برده ها و شایسته سالاری رشد کند و سربلند پیروز باشد.

فتنه‌ها؛ میدان فریب مردم

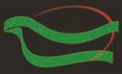
نکته درخور توجه این که همین امت بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) به خاطر عدم همراهی، اطاعت و مشایعت و نبود بصیرت و هشیاری، مسیر دیگری را برای جامعه اسلامی رقم زدند. مسیری کاملاً متفاوت از قبل. در اینجا است که اثر شگفت انگیز همراهی امت در حرکت اسلامی و پیشرفت به سوی قلّه‌های معنوی و مادی را عمیقاً می‌یابیم. بعد از رحلت پیامبر مردم به علت نداشتن تحلیل سیاسی از اوضاع، در فتنه‌ای که به فرمایش حضرت امیر(ع) در آن فتنه جوانان پیر می‌شوند و پیران فرتوت. همین فریب خوردن باعث شد امام خود را رها کنند و به یاری و اطاعت از او نشتابند و سرنوشت جامعه نوپا که پیامبر برای سعادت بشر طراحی کرده بود، دچار انحراف جبران ناپذیری شود که هم اکنون مشکلات امروزه بشریت از آن عدم همراهی سرچشمه می‌گیرد. اتفاق تلخ و سرنوشت سوز عدم همراهی و اطاعت امت از امام حسین(ع)، بار دیگر فاجعه‌ای که در طول تاریخ نظیر نداشته و نخواهد داشت، پدید آورد. مردم کوفه که اکثریت شیعه بودند، اگر امام حسین را همراهی و از ایشان حمایت و اطاعت می‌کردند، قیام امام حسین منجر به انهدام حکومت پلید و ستمگر یزید می‌شد و خود حکومتی نبوی و علوی بنا می‌کرد؛ که اگر این حکومت پا می‌گرفت، تاریخ به گونه‌ای



رقم می خورد که اکنون شاهد ظلم، فسادهای اقتصادی، اجتماعی، فقر و بسیاری از مشکلات پیش رو نه در ایران بلکه در جهان نبودیم.

انقلاب اسلامی؛ محصول مشایعت مردم با امام دینی

اولین حمایت و همراهی مردم با امام امت در صدر اسلام جلوه دیگر خود را در انقلاب اسلامی ایران به رخ جهانیان کشید. کودتای آمریکا در سال ۱۳۲۲ باعث شد شاه مجدداً بر مسند قدرت تکیه زند و مردم عزتمند و پرافتخار ایران مبتلا به ظلم و فساد آمریکایی‌ها و رژیم پهلوی شوند. سال‌های تلخ بعد از کودتا تا انقلاب اسلامی، ظلم شدیدی در زمینه‌های گوناگون از جمله سیاسی (مانند انقلاب سفید و کاپیتولاسیون)، فرهنگی (مانند اشاعه فحشا در سطوح مختلف و مخالفت با مظاهر اسلامی) و اقتصادی (فسادهای سنگین توسط آمریکایی‌ها و هزینه‌های گزاف و بیهوده شاه) به مردم عزیز روا رفت. مردم ایران به خاطر آشنایی عمیق با گذشته و آینده اسلام خصوصاً جریان بعثت، غدیر، عاشورا و ظهور امام زمان (عج)، از سرمایه عظیمی برخوردار بودند و این ثروت ارزشمند دست‌مایه همراهی و اطاعت‌پذیری بدون چون و چرایی شد که توانست قدرت‌های بزرگ دنیا را از ایران بیرون براند و خود یک حکومت مستقل بر اساس دین مبین اسلام بر پایه مردم تشکیل دهد. حکومتی نه مدل خلافت و نه سلطنت است. این دستاورد شریف و گرانقدر حاصل پیوند عمیق امام و امت بود؛ یعنی امام نقش خود را



ایفا کرد (رهبری و هدایت و مدیریت و تصمیم‌گیری) و مردم هم نقش خویش (همراهی و اطاعت عدم شک تردید).

مدیریت کاریزماتیک یا مدیریت سیستماتیک

جنگ تحمیلی یکی از آزمون‌هایی بود که سیستم نوپای جمهوری اسلامی را و شاید استعداد های رهبری و ظرفیت‌های مدل حکومتی ولایت فقیه را به چالش فراخواند. تأملی در شیوه مدیریت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، از سوی امام خمینی (س) به ویژه در سال‌های نخستین آن الگوی منحصر به فردی از مدیریت بحران‌های سیاسی را نشان می‌دهد. بر خلاف تصور عده‌ای از تحلیل‌گران که شیوه مدیریت امام را صرفاً فردی یا کاریزماتیک و در ارتباط مستقیم با مردم می‌پندارند، ایشان در کنار مردم مداری از مدیریت سیستمیک نیز در مدیریت جنگ استفاده کردند.

۱. **تاکید بر وجوه حماسی در فرایند دفاع:** امام همواره بر حماسی بودن دفاع مقدس تأکید داشتند و پیروزی‌های ملت ایران در جبهه‌های نبرد را با عنوان حماسه توصیف می‌کردند. از این رو، یکی از مولفه‌های مدیریتی حضرت امام در دوران دفاع مقدس، جنگ حماسی است. حماسی بودن در چنین شرایطی به این معنا است که امام به عنوان رهبر فکری، بسیج‌گر و سیاست‌گذار، با اطمینان در هشدار به شروع جنگ، عراق و حامیانش را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «گمان نکند ملت ما که دولت ایران و ارتش ایران عاجز از این است که جواب به این‌ها بدهد. هر وقتی که مقتضی بشود من پیامی به ملت خواهیم داد و به صدام





حسین و امثال او ثابت خواهیم کرد که این‌ها، این اذنب امریکا قابل ذکر نیستند.» امام (ره) با تأکید بر شعارهای انقلابی، بازخوانی پیام‌های نهضت عاشورا، همسان‌پنداری اهداف دفاع مقدس با قیام امام حسین (ع)، شعارهای دینی و شعارهای برآمده از رویدادهای عظیم اسلامی تلاش می‌کرد تا جنبه حماسی رزمندگان را افزایش دهد و در برابر فریب و شعارهای تبلیغاتی رژیم بعث و حامیان غربی‌اش، روحیه رزمندگان را ارتقاء می‌دادند. به عبارتی دیگر، ایشان بر احساسات مدافعان انقلاب اسلامی مدیریت می‌کردند تا با زنده کردن وجوه حماسی در آن‌ها، از ناامیدی و سیاه‌نمایی دشمنان بکاهند.

۲. بهره‌گیری از ظرفیت‌های شورای عالی دفاع: نمونه

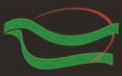
بارز مدیریت امام خمینی در جنگ تحمیلی تأکید خاص ایشان به نقش شورای عالی دفاع بود. این شورا که مطابق قانون اساسی برای اداره امور جنگ تشکیل شده بود؛ نقشی اساسی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با جنگ داشت. امام در سخت‌ترین شرایط جنگ تحمیلی نیز از این شورا سلب مسئولیت نکرده و همواره بر تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در آن تأکید داشتند.

۳. توجه به سلسله مراتب نظامی: در چارچوب سلسله

مراتب تصمیم‌گیری و اجرا، امام بر رعایت سلسله مراتب و اطاعت نیروها از فرماندهان خود تأکید ویژه‌ای داشتند.

۴. بهره‌گیری از ظرفیت انسانی و نیروهای جوان:

همچنین حرکت جوانان به سوی جبهه‌ها با پیام‌های پرنفوذ



رهبری انقلاب، یک جریان «هنجار درونی» به وجود آمد که به تدریج همه اقشار را فراگرفت. ایشان در سخنرانی‌های خود، جوانان را نسبت به وظیفه و تکلیف دینی نسبت به دفاع از مرزهای سرزمین اسلامی آگاه می‌ساختند و همین مسئله عامل بسیج نیروهای جوان و بهره‌گیری از پتانسیل آن‌ها در دفاع مقدس شد تا جایی که اغلب فرماندهان دوران دفاع مقدس، از جوانان بودند و همین عنصر اعتماد به جوانان باعث پویایی جبهه حق و نیروهای انقلابی در برابر متجاوزان خارجی گردید.

۵. استعانت از آموزه‌های دینی: امام با بهره‌گیری مناسب از خاطره جمعی مخاطبان خود، آموزه‌های مذهبی را به جریان انداخت. این گواهی بود بر تفکر امام که دین را جاری در زندگی می‌دانستند و به آن ابعادی همه‌جانبه می‌بخشیدند. امام با توجه به آموزه‌های اسلامی و بر اساس توانایی و قابلیت‌های رهبری خویش در هنگام بروز و امتداد جنگ تحمیلی توانستند با شناخت از وضع موجود، تصمیم‌گیری سنجیده و مطابق با شرایط انجام دهد.

خطاهای عمدی و سهوی مسئولان خسارت بار است

از آنجایی که در ادوار گذشته، ریشه امکان‌پذیری خطاهای عمد یا غیرعمد مسئولان در ساحت کلان مدیریتی، غفلت و عدم همراهی و اطاعت‌پذیری مردم از امام امت، فرمایشات، دستورات، کدها و برنامه‌های ایشان بوده است، لازم است برای دستیابی به برنامه‌های کم‌خطا و آینده‌ای سرشار از نشاط و شادابی، صلح و صفا و آرامش، رشد‌بالنده در اقتصاد

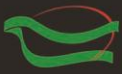


و معیشت و سیاست‌های کلان نظام، مردم کشور عزیز ایران بیش از همیشه، همراهی ویژه و اطاعت مدام و توجه به فرمایشات و حمایت همه جانبه نسبت به امام جامعه یعنی رهبر معظم انقلاب باشند تا ابتلائیاتی که متوجه جوامع گذشته شد، دامن‌گیر جامعه ما نشود. برخی از گوشزدهای رهبر انقلاب اسلامی در خصوص همراهی مردم، از این قرار است: هوشیاری و بصیرت، عدم غفلت از دشمن و شناخت او و نقشه‌های وی، حضور همیشگی در صحنه، پی‌گیری مستمر اقدامات و تصمیمات مسئولان و اتفاقات روز، انتخاب افراد شایسته و انقلابی برای مسئولیت، اطلاع از امور کشور در دو لایه سطح و عمق، مطالبه‌گری صحیح و به حق از مسئولان و مهم‌تر از همه تحلیل کردن وقایع سیاسی. امروز راه برون رفت از آفات و مشکلات فرا روی، بجز همراهی و اطاعت از دستورات امام جامعه و مقام عظمای ولایت و تن به هدایت هادی امت از سوی مسئولان و مردم، وجود ندارد.

دفاع مقدس، جانانه بود!

دکتر مجید قربانی

انقلاب نوپا و پویا که به برکت وجود رهبری فرزانه و کبیر و همدلی و همراهی اقشار مردم و در سایه توجهات حضرت ولی عصر «عج» به نماد استکبارستیزی جهان تبدیل شد، از همان روز نخست با هجمه گسترده مواجه شد. هجمه ای که توسط اتاق فکر لندن و واشنگتن، طرح ریزی شد و درنهایت وقتی به سد محکم اراده انقلابیون در ایران اسلامی برخورد



کرد، به گزینه نظامی توسط همسایه‌ای بدل گشت که فرد
 قلدر و بی فکری چون صدام را در اختیار داشت. صدام که
 حزب بعث را غیر قابل شکست می‌دید با چراغ سبز و
 حمایت‌های لجستیک و اطلاعاتی استکبار با هدف فتح چند
 ساعته تهران به مرزهای ایران حمله‌ور شد و جوانان مدافع
 وطن را بی تجربه می‌دانست و به همین دلیل حتی زحمت
 طراحی لایه‌های دفاعی عقبه‌های تیم‌های عملیاتی و لشگر را
 به خود نداد و درنهایت با سیلی محکم رزمندگان اسلام از
 خواب غفلت و شیرین خود تا حدی بیدار شد.

ارتش عراق و رژیم بعث در مقابل قدرت ایمان جوانان انقلابی
 وطن، زمین گیر شد و درنهایت مجبور به شکست و عقب
 نشینی شد. به واقع که فرماندهان جوان جبهه حق، با لبیک
 به ندای رهبر خود، در برابر استکبار جهانی جانانه ایستادند و
 ذره‌ای از خاک میهن را به اجانب و دشمنان تا دندان مسلح،
 ندادند.

استراتژی لایه وار و هوشمندانه و عزت مندانه معمار کبیر
 انقلاب، راه را برای تاخت و تاز به خاک و ناموس کشور، بست
 و این تهدید بزرگ را به فرصتی بی همتا برای معرفی و
 صدور انقلاب به عنوان الگوی ایستادگی و مقاومت به مردم
 آزادیخواه جهان، معرفی کرد.

شهادی والامقام دوران دفاع مقدس و انقلاب اسلامی،
 جاودانه شدند تا مهر محکمی بر ماندگاری انقلاب اسلامی در
 زیست بوم سیاسی جهان، باشد. مسئولیت سنگین مدیران



فعلی کشور و آحاد مردم در مقابل خون شهدا و جانفشانی رزمندگان، آزادگان و جانبازان انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس بر کسی پوشیده نیست. امید که با پیروی از منویات مقام معظم رهبری و همدلی و همراهی خالصانه در دفاع از دستاوردهای چهل سال اول انقلاب اسلامی، به ویژه در گام دوم انقلاب، استوار و پایدار گام های اساسی برداشته شود.

سطوح سه گانه رابطه اعراب با رژیم صهیونیستی و بن بست در سطوح دوم و سوم

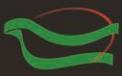
دکتر حسن خدادی

هر کشور عربی برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی باید از سه مرحله عبور کند:

مرحله نخست، پذیرش و ایجاد روابط امنیتی و سیاسی پنهان در سطح نخبگان حاکمیتی است؛

مرحله دوم، پذیرش عادی سازی و علنی سازی روابط در فضای نخبگانی مدنی و تبیین لزوم آن برای جامعه؛

مرحله سوم که مهم ترین بخش فرآیند عادی سازی است، حساسیت زدایی اجتماعی و شکستن قبح و زشتی رابطه با رژیم غاصب رژیم صهیونیستی در سطح افکار عمومی.



اگرچه عبور از مرحله نخست از سال ۲۰۰۰ میلادی به این سو تا حدود زیادی انجام شده است و اخیرا با اعلام ایجاد رابطه امارات با رژیم صهیونیستی از مرحله عادی سازی حاکمیتی به مرحله علنی سازی حاکمیتی رسیده است، اما مرحله دوم و سوم هنوز به ثمر ننشسته که هیچ، دشوارتر هم شده است.

اگر از منظر شاخص افکار عمومی عربی به مناسبات صهیونیستی - عربی، به برآیند مثبتی که حاکی از موافقت افکار عمومی کشورهای عربی با هر تلاشی که در صدد برقراری، عادی سازی و علنی سازی رابطه با رژیم صهیونیستی باشد نمی‌رسیم.

تحركاتی که از سال‌ها پیش در بین حکام مستبد عربی برای عادی سازی مناسبات دو یا چندجانبه با رژیم صهیونیستی وجود دارد و در موارد متعددی نیز این روابط در خفا شکل گرفته و در عرصه‌های گوناگون پیگیری می‌شود، پدیده‌ای است که همراهی و رضایت بخش عمده‌ای از افکار عمومی را با خود ندارد و نقش رژیم‌های مرتجع عربی در آن شاخص و برجسته است. اگر می‌بینیم امروز به استثنای امارات، بقیه رژیم‌های مرتجع عربی روابط خود با تل‌آویو را علنی نمی‌کنند از نقطه نظری خاص ریشه در ترس از افکار عمومی به خصوص نخبگان فرهنگی و دانشگاهی و فعالان سیاسی دارد و در حقیقت افکار عمومی عربی یکی از موانع اصلی علنی سازی مناسبات عربی - صهیونیستی است.



برخلاف تبلیغاتی که در مراکز رسانه‌ای و محافل سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، اطلاعات و داده‌های موجود نشان می‌دهد که جوامع عربی و ملت‌های عرب برعکس دولت‌هایشان، به رژیم صهیونیستی به عنوان بزرگ‌ترین تهدید داخلی و درون منطقه‌ای نگاه می‌کنند و اکثریت مردم کشورهای نیز نگاه منفی به گرایش برخی رژیم‌های عربی برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی دارند. براساس آخرین نظرسنجی «مرکز عربی پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی» که یک نظرسنجی معتبر نیز است، ۹۲ درصد افکار عمومی کشورهای مورد بررسی در جهان عرب، رژیم صهیونیستی را تهدید برای امنیت و ثبات در منطقه می‌دانند و تنها ۳ درصد با این نظر مخالف هستند. این آمار در سال ۲۰۱۶ حدود ۸۹ درصد و در سال ۲۰۱۱ به میزان ۸۴ درصد بود.

اینکه چرا رژیم صهیونیستی تمرکز ویژه‌ای بر برقراری رابطه با با بخشی از کشورهای عربی که در زمره «رژیم‌های اقتدارگرا و مرتجع عرب» تعریف می‌شوند دقیقاً به این خاطر است که در این کشورها، شاخص افکار عمومی با توجه به نظام سیاسی اقتدارگرا، توتالیتر و تمامیت‌خواه، هیچ‌گونه تأثیری در روندهای سیاسی و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در سطوح خرد و کلان ندارد. لذا در این کشورها، هم طرف صهیونیست و هم خاندان حاکم با مانعی به نام افکار عمومی

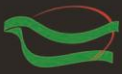




مواجه نیستند. برای همین است که رژیم صهیونیستی هیچ تمایلی به دموکراتیزه شدن کشورهای عربی ندارد.

در ارزیابی چشم‌انداز روابط رژیم‌های مرتجع عربی با رژیم صهیونیستی، توجه به این نکته بسیار ضروری است که این روابط و مناسبات دو یا چند جانبه به هر شکلی که وجود داشته و دارد، در بلندمدت نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای طرف‌های رابطه باشد. چرا که این روابط دارای سطح حاکمیتی است و بدون هرگونه توجه و اعتنایی به دیدگاه‌های و باورهای شهروندان عرب ایجاد شده است.

بنابراین شاخص افکار عمومی عربی، به عنوان یک مانع و عامل تعیین کننده، در آینده بر علیه این رابطه خواهد بود. از این رو، حکام عربی و حتی رژیم صهیونیستی نباید چندان به نتایج و دستاوردهایی که قرار است در میان مدت و بلندمدت عاید دو طرف شودف امیدوار و خوش‌بین باشند. اگرچه عادی‌سازی و علنی‌سازی روابط برخی رژیم‌های مرتجع عربی با تل‌آویو در مسیر همواری قرار گرفته است، اما این مسیر همیشه و در همه جا هموار و صاف نیست و طولی نخواهد کشید که روندگان در این مسیر را پشیمان خواهد کرد. چرا که حساسیت افکار عمومی در جهان عرب نسبت به برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی که اشغالگر بخش‌های مهمی از سرزمین‌های اسلامی است، هنوز پابرجا و زنده است. به بیان ساده‌تر، عادی‌سازی و علنی‌سازی روابط عربی و صهیونیستی آسان‌ترین مراحل این روابط است. مرحله دشوار



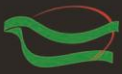
و بسیار سنگین، حساسیت‌زدایی و شکستن قبح این رابطه در بین افکار عمومی است که اصولاً غیرممکن است.

مسأله فلسطین و آرمان‌رهایی ملت مظلوم فلسطین از بند اشغال، اگرچه در سطوح حاکمیتی و دولتی در برخی رژیم‌های عربی قداست و حساسیت خود را از دست داده است، اما افکار عمومی و شهروندان و فرهیختگان کشورهای عربی حتی در عربستان، بحرین و امارات که نظام‌های سیاسی‌شان برای رسیدن به تل‌آویو و دست دادن با نتانیاهو با هم مسابقه می‌دهند، به رژیم صهیونیستی همچنان به عنوان مهم‌ترین تهدید برای امنیت و ثبات خودشان می‌نگرند و کماکان موضوع فلسطین و آزادی قدس شریف را جزو اولویت‌های مهمی می‌دانند که نمی‌توان آن را به حاشیه راند.

مسأله فلسطین؛ در دوراهی جامه بزم یا جامه رزم

دکتر حسن خدادی

نقش غفلت از مسائل اصلی و پرداختن به حاشیه و مسائل فرعی و دست‌چندم در درون کشورهای اسلامی در علنی‌سازی و رسمیت بخشیدن به روابط کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با اسرائیل را نباید دستکم گرفت. این، سیاست، کیاست، استراتژی و قدرت شخص ترامپ یا نتانیاهو نیست که باعث می‌شود امروز امارات و بحرین و فردا عربستان و عمان دست در دست اسرائیل بگذارند؛ آنهم در



شرایطی که می‌دانند ۹۲ درصد افکار عمومی شهروندان عربی مخالف هرگونه روابط دیپلماتیک با اسرائیل هستند.

بلکه در وهله اول غفلت‌ها و سهل‌انگاری‌ها و ساده‌اندیشی‌هایی است که در بین سیاسیون، رهبران، نخبگان، علما، عناصر و گروه‌های مؤثر در داخل کشورهای اسلامی وجود دارد و مسیر علنی‌سازی روابط عربی - اسرائیلی را که باید مملو از سنگلاخ و مین و صعبالعبور باشد، هموار و بی‌دردسر می‌سازد.

هرچه هست، روندی که در منطقه و در خصوص علنی‌سازی روابط عربی - اسرائیلی شروع شده، روند خطرناکی است که نباید آن را تنها به عنوان دستاوردسازی انتخاباتی برای ترامپ و نتانیاهو تعبیر و تفسیر نمود. مسئله بزرگ‌تر از این حرف‌هاست که شرح آن خارج از حوصله این نوشتار کوتاه است.

یک زمانی در اتحادیه عرب مسئله فلسطین به حدی قداست داشت و مورد احترام ملل عربی بود که مصر را به خاطر حضور در کمپ دیوید و اتخاذ مواضع همسو با اسرائیل از اتحادیه عرب اخراج کردند. اما امروز معادله کاملاً معکوس شده است و کسانی از اتحادیه عرب رانده می‌شوند که مواضع همسو با فلسطین دارند.

مسائلی که در منطقه می‌بینیم، شرایط را پیش و پیش از همه برای فلسطین دشوار می‌کند. امروز فلسطین بیش از هر



زمان دیگری به دفاع همه‌جانبه نیاز دارد؛ آنهم نه فقط با پشتیبانی سیاسی و دیپلماتیک و اقتصادی. حمایت از فلسطین با توجه به شرایط و وقایعی که در حال وقوع است، باید بسیار هوشمندانه و در تمام سطوح به ویژه نظامی و امنیتی با قدرت بیشتری استمرار پیدا کند.

سفر اخیر اسماعیل هنیه به لبنان و نشست بی‌سابقه گروه‌های مقاومت از جمله حزب‌الله، حماس، فتح و ۱۲ گروه دیگر در بیروت و رام‌الله که به ریاست محمود عباس رئیس‌تشکیلات برگزار شد، یک نقطه امید و دریچه باز و همسویی بی‌نظیری است که می‌تواند حصار امنی برای فلسطین در این شرایط سخت باشد. امروز فلسطین به جامه رزم بیش از هر زمان دیگری محتاج است. باید جامه بزم و سازش را از تن به در کرد.

الحمد لله رب العالمین